

استخراج عوامل بنیادین شخصیت بر اساس مطالعه فرهنگ واژگانی زبان و ادبیات فارسی^۱

منصور حرفه دوست^۲

محمد رضا فلسفی نژاد^۳

علی دلاور^۴

فرامرز سهرابی^۵

احمد تمیم داری^۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۲۰

چکیده

پژوهش فعلی به منظور استخراج عوامل بنیادین شخصیت در فرهنگ ایرانی با استفاده از مطالعه فرهنگ واژگانی شخصیت صورت گرفت. بیش از ۱۱ هزار واژه توصیف گر فردی از فرهنگ لغات زبان فارسی انتخاب و بعد از حذف لغات تکراری، و مهجور تعداد لغات به ۲۷۰۰ واژه تقلیل داده شدند. در مرحله بعد لغات مورد نظر به طبقات مختلف صفات، حالات، ارزیابی اجتماعی، مفاهیم استعاری و فیزیکی توسط ۱۰ ارزیاب طبقه بندی شدند. در این مرحله در حدود ۱۳۰۰ واژه مشخص کننده صفت مشخص شدند. بعد از حذف واژگان کم کاربرد در زندگی روزمره، چک لیست نهایی متشکل از ۱۴۷ واژه توصیف گر شخصیت آماده شد و ۷۶۳ دانشجوی دانشگاه های شهر تهران به چک لیست پژوهش پاسخ دادند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بر روی مدل های ۲ تا ۷ عاملی از صفات شخصیتی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اهداف اصلی پژوهش مبنی بر مقایسه مدل های ۵ و ۶ عاملی با تحقیقات خارجی مرجع مشخص شد که فضای عوامل مربوط به ابعاد روان رنجور خوبی، توافق پذیری، و باوجدان بودن شباهت زیادی به فضای مدل های عاملی خارجی دارند؛ ولی بعد باز بودن به تجربه ها در هیچ یک از مدل های ۵ و ۶ عاملی به عنوان بعد مستقل کشف نشد و این بعد از شخصیت با فضای بعد پرونگرایی در هر دو مدل ادغام شده بود. استخراج عامل جدیدی به نام "متانت" در مدل پنج عاملی و "مذهبی بودن" در مدل شش عاملی از یافته های مهم این

۱. این پژوهش از رساله دکتری استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری سنجش و اندازه گیری دانشگاه علامه طباطبائی drherfedust@gmail.com

۳. دانشیار سنجش و اندازه گیری دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) falsafinejad@yahoo.co.uk

۴. استاد سنجش و اندازه گیری دانشگاه علامه طباطبائی

۵. استاد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

۶. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

پژوهش بود. نتایج این پژوهش گویای کشف فضای جدید عاملی شخصیت در فرهنگ ایرانی است. این فضای عاملی جدید گویای این است که پژوهشگران شخصیتی باید تفاوت‌های فرهنگی در سنجش شخصیت را در پژوهش خود مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: ابعاد شخصیت، تحلیل عاملی اکتشافی، فرهنگ واژگانی، مدل‌های عاملی.

مقدمه

با وجود اینکه مطالعات شخصیت مبتنی بر تحلیل عاملی واژگان شخصیتی بیش از چندین دهه قدمت دارد، متأسفانه در ایران تحقیقات بسیار معدودی در مورد مدل‌های صفات زیر بنایی شخصیت که بر اساس مطالعات فرهنگ واژگانی استوار شده باشد صورت گرفته است. همچنین ابزارهای شخصیتی که در فعالیتهای پژوهشی و تشخیصی استفاده می‌شود همگی مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌های غربی استوار است و تقریباً هیچ ابزار شخصیتی وجود ندارد که بر اساس فرهنگ ایرانی توسعه داده شده باشد. این در حالی است که استفاده کردن از مدل‌های غربی عوامل شخصیتی در بافت فرهنگ ایرانی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی مشکلات زیادی را برای اعتبار این ابزارها و مدل‌های به همراه خواهد داشت. به همین خاطر این پژوهش گامی در راستای استخراج مدل شخصیتی مبتنی بر خصوصیات فرهنگ ایرانی است. در حقیقت، این پژوهش بر اساس ضرورت در مدنظر قرار دادن تفاوت‌های فرهنگی در مطالعات سنجش شخصیتی اجرا می‌شود.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که از اوایل دهه ۱۹۸۰ اکثر محققان شروع به توافق در مورد این امر کردند که تغییرات در شخصیت را در عالی‌ترین شکل خود می‌توان برحسب پنج بعد گسترده و تا حدی مستقل خلاصه کرد. این پنج عامل اولین بار در زبان انگلیسی که شامل تعداد کوچکی از صفات توصیف‌گر شخصیت بودند کشف شدند (برای مثال دیگ من و تاکم و تو - چک^۱، ۱۹۸۱؛ تیوپز و کریستال^۲، ۱۹۹۲) و بعداً در تحقیقاتی که شامل مجموعه خیلی جامع‌تری از صفات شخصیت بودند، مورد تأیید قرار گرفتند (گلدبرگ^۳، ۱۹۹۰؛ ساکیر^۴ و گولدبرگ، ۱۹۹۶). این عامل‌های پنج‌گانه در مجموع تحت عنوان "پنج عامل بزرگ" نام‌گذاری شدند (گلدبرگ، ۱۹۹۰)، که شامل الف)

-
1. Takemoto-Chock
 2. Tupes, Christal
 3. Goldberg
 4. Saucier

برونگرایی، ب) توافق‌پذیری (یا دلپذیر بودن)، ج) باوجدان بودن (قانونمندی)، د) تعادل هیجانی (در مقابل روان‌جور خویی)، و ذ) گشودگی به تجربه‌ها (فرهنگ)^۱ بودند. بعد از کشف ساختار پنج‌عامل بزرگ شخصیت در فرهنگ انگلیسی، محققان شروع به انجام تحقیقات فرهنگ‌واژه‌ای در انواع مختلفی از زبان‌های هندی-اروپایی و غیراروپایی کردند. چندین محقق فضای عاملی پنج‌عامل بزرگ را دوباره در این فرهنگ‌ها کشف کردند. اما دو استثنای مهم به این الگو پنج‌عاملی شخصیت در مطالعات فرهنگ‌واژگانی صورت گرفته در زبان‌های ایتالیایی (دی‌بلاس و فورزی^۲، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹) و مجارستانی (زیرماک و دی‌راد^۳، ۱۹۹۴) وجود داشت. در هر دوی این مطالعات، اکتشاف پنج‌عامل بزرگ در شخصیت که شامل عامل روشن‌فکر بودن و قدرت تصور بود، دیده نمی‌شد، اما به‌جای آن‌ها عاملی دیگری که معرف صداقت و فروتنی بود، دیده می‌شد. دی‌بلاس و فورزی (۱۹۹۸) این عامل اکتشاف شده در ایتالیا را تحت عنوان ارزشمندی حقیقت، و زیرمارک و دی‌راد (۱۹۹۴) این عامل اکتشافی در مجارستان را تحت عنوان یکپارچگی نام گذاشت. اما در هر دوی این مطالعات، یک عامل شبه روشن‌فکر بودن-قدرت تصور بالا در راه‌حل‌های ۶ عاملی مشاهده شد.

نتایج فوق‌دلالیت این امکان را ایجاد کرد که ساختار شش‌عاملی شخصیت احتمالاً در سایر زبان‌های غیر انگلیسی وجود داشته باشد. در جهت بررسی بیشتر این موضوع آشتون، لی، پروگینی، زاروتا، دی‌ورایس، و دی‌بلاس^۴ (۲۰۰۴) نشان دادند که مجموعه مشترکی از شش عامل شخصیت از طریق مطالعات فرهنگ‌واژگانی در زبان‌های آلمانی، هلندی، فرانسوی، مجاری، ایتالیایی، کره‌ای، و لهستانی آشکار می‌شود. این شش عامل دوباره در تحلیل‌های اخیر داده‌های آرشیوی که شامل مجموعه خیلی بزرگی از ۱۷۱۰ صفت توصیف‌کننده شخصیت انگلیس بود مورد تأیید واقع شدند (آشتون، لی، و گلدبرگ، ۲۰۰۴)، علاوه بر این شش عامل شخصیتی در مطالعات فرهنگ‌واژگانی زبان کرواتی (تحلیل دوباره داده‌های مالچیک^۵ و استندورف^۶، ۲۰۰۵، توسط آشتون، لی، دی‌ورایس،

-
1. Openness to experience (culture)
 2. Di Blas, and Forzi
 3. Szirmak, De Raad
 4. Ashton, Lee, Perugini, Szarota, de Vries, Di Blas
 5. Mlacic
 6. Ostendorf

زاروتا، و همکاران، ۲۰۰۶)، زبان یونانی (تحلیل دوباره یافته‌های ساکیبر، جنورگیادز^۱، سائوسیز^۲، و گلدبرگ، ۲۰۰۵، توسط لی و آشتون، ۲۰۰۸)، و زبان فیلیپینی (آشتون، و لی، دی و رایس، زاروتا، و همکاران، ۲۰۰۶) مورد تأیید قرار گرفتند. رویه‌ها یا خرده مقیاس‌های سه بعدی برون‌گرایی، باوجدان بودن، و گشودگی به تجربه‌های جدید با چارچوب پنج عامل بزرگ کلاسیک مشابه بودند؛ ولی رویه‌های دو بعد دیگر تفاوت‌های چندی با فضای پنج عاملی داشتند. به طوری که در مدل پنج عاملی شخصیت، خشم و تحریک‌پذیر بودن در عامل روان رنجور خویی (تعادل هیجانی پایین) قرار داده شده بودند، ولی در مدل شش عاملی شخصیت این دو صفت در قطب پایین عامل موافق بودن قرار داشتند. به طور مشابه، خرده مقیاس حساس بودن و احساسی بودن در بعد توافق‌پذیری پنج عامل بزرگ قرار داشتند، ولی این دو صفت در مدل شش عاملی شخصیت در عامل هیجانی بودن قرار گرفتند. در نهایت، بعد ششم ساختار شش عاملی تحت عنوان صداقت-فروتنی^۳ نام‌گذاری شد که با استفاده از توصیف‌کننده‌هایی نظیر قدردان بودن^۴، باانصاف بودن^۵، و معتدل بودن^۶ مشخص می‌شوند (آشتون و لی، ۲۰۰۱؛ آشتون، لی، و سان، ۲۰۰۰). این مدل از شخصیت اکنون به مدل HEXACO مشهور است.

مدل‌های پنج عاملی و شش عاملی شخصیت علی‌رغم اینکه بسیار مورد حمایت واقع شده‌اند از برخی محدودیت‌ها نیز برخوردارند. اولین نقدی که بر مدل‌های شخصیت مبتنی بر تحلیل عاملی وارد است این است که چون این مدل‌ها بر اساس روش‌های آماری نظیر تحلیل عاملی استخراج می‌شوند، نتایج آن‌ها همواره قابل تأیید نیست چرا که با توجه به نوع مقیاس (لیکرتی یا روش دیگر) و نمونه پژوهش ممکن است نتایج تحلیل‌ها متفاوت از همدیگر باشند. برخی منتقدان این مدل‌ها نظیر تلگان^۷ (۱۹۹۳)، والر و زاوالا^۸ (۱۹۹۳) بر این عقیده هستند که پنج عامل بزرگ در اصل از یک مخزن توصیف‌کننده‌های شخصیتی که عبارت‌های ارزیابی‌کننده و بیشتر توصیف‌کننده‌های شخصیتی مربوط به حالات را

-
1. Georgiades
 2. Tsaousis
 3. Honesty-Humility
 4. Gratefulness
 5. Fairness
 6. Temperateness
 7. Tellegen
 8. Waller & Zavala

حذف کرده (بر اساس راهنمای آلپورت و ادبرت، ۱۹۳۶؛ کتل، ۱۹۴۳) استخراج شده است. این در حالی است که برخی از روانشناسان (برای مثال بورکینا، ۱۹۹۰؛ هوگان^۱، ۱۹۸۲) اعتقاد بر این دارند که توصیف و اندازه‌گیری شخصیت در اصل یک فعالیت ارزیابی کننده است. این اندیشه در بررسی‌های دوباره صفات آمریکایی-انگلیسی (نظیر تلگان، والر^۲، ۱۹۸۷) مشخص شده است که سیستم طبقه‌بندی پنج عامل بزرگ برخی از ابعاد و طبقات مهم شخصیتی را نادیده گرفته است. در تحقیقات انجام شده توسط تلگان، والر (۱۹۸۷) مشخص شده است که حداقل ۷ بعد مستقل در طبقه‌بندی جامع توصیف کننده‌های شخصیت استخراج می‌شود. تلگان و والر این ابعاد را با ۷ بزرگ مشخص کرده‌اند. البته این تحقیقات مشخص ساخته‌اند که پنج بعد این مدل ۷ عاملی شباهت بسیار زیادی با ۵ عامل بزرگ دارد ولی دو عامل جدید تحت عنوان ارزش^۴ مثبت و منفی مشخص شده‌اند. این مدل ۷ عاملی در مطالعات فرهنگی زبان‌های مختلف نظیر زبان اسپانیایی (بنت و والر، ۱۹۹۵)، زبان عبری (آلماگور، تلگان، و والر، ۱۹۹۵)؛ فیلیپینی (چرچ، کاتیباک، و ریز^۵) (۱۹۹۸)، و زبان انگلیسی (ساکیر، ۱۹۹۷) مورد تأیید قرار گرفته است. این در حالی است که طرفداران مدل پنج عاملی دو عامل استخراج شده در مدل ۷ عاملی را عوامل شخصیتی تلقی نمی‌کنند. اما طرفداران این مدل تجربی اعتقاد دارند که ارزش مثبت و منفی در پیش‌بینی ابعاد آسیب‌شناختی شخصیتی پیش‌بینی‌هایی بهتر از مدل پنج عاملی انجام می‌دهند که روایی افزایشی معنی‌داری را نشان می‌دهند (سیمز^۶، ۲۰۰۷). برای اینکه مشخص شود این دو عامل ارزش‌گذاری شامل چه صفاتی هستند به‌طور خلاصه صفات دارای بار عاملی بالابر روی این دو عامل در مدل هفت عاملی بنت والر (۱۹۹۵) به این صورت بودند. عامل ارزش‌گذاری مثبت از صفات برجسته، متأثرکننده، عالی، استثنایی، تحسین‌برانگیز، مهم، باکلاس، متوسط (علامت منفی)، معمولی (علامت منفی). همچنین ارزش‌گذاری منفی از صفات زیر تشکیل شده بود: بدجنس، وحشتناک، نفرت‌برانگیز، خطرناک، منزجرکننده، بیمار فکری، بدخواه، فاسد و خائن. یکی از دیگر از نقدهای مهم از طرف برخی دیگر از پژوهشگران مشهور این حیطه (دی راد و همکاران، ۲۰۱۰) وارد شده است.

-
1. Borkenau
 2. Hogan
 3. Tellegen
 4. Valence
 5. Church, Katibak, & Reyes
 6. Simms

این پژوهشگران بعد از پژوهش‌های مختلف در فرهنگ‌های زبانی کشورهای متعدد نشان دادند که تنها سه عامل شخصیتی است که به طور کامل در همه فرهنگ‌ها به طور مشترک استخراج می‌شود. این محققان بر این اعتقادند که غیر از این سه عامل، نشانگرهای اصلی عوامل دیگر ناپایدار هستند. آن‌ها ادعای جهانی مدل هگزا کو از شخصیت را مورد چالش قرار داده‌اند، و اعتقاد دارند که خیلی از زبان‌ها مدل شش عاملی شخصیت را مورد تأیید قرار نداده‌اند. چه بسا، بعد صداقت- فروتنی همواره مورد تأیید قرار نگرفته است. چندین مطالعه ابعاد شش عاملی ناهمسانی را کشف کرده‌اند (برای مثال لذت‌گرایی- خوش‌گذرانی) و برخی تحقیقات عوامل بیش از ۶ عامل را کشف کرده‌اند. از طرف دیگر، بیشتر مطالعاتی که با استفاده از مدل HEXACO صورت گرفته‌اند مفید بودن بعد توافق‌پذیری، هیجانی بودن (روان رنجور خویی) و صداقت- فروتنی را حمایت کرده‌اند. با این حال، مدل HEXACO ضرورتاً یک ابزار بهتری برای شخصیت در خیلی از مواقع نیست. زمانی که مدل HEXACO با مدل تعدیل‌یافته پنج عامل بزرگ که عامل فروتنی- صداقت را نیز در بر گرفته مورد مقایسه واقع می‌شود، توانایی پیش‌بینی مدل HEXACO مشابه با مدل تعدیل‌یافته پنج عاملی شخصیت می‌شود.

تنها پژوهشی که در جامعه ایرانی در حوزه مطالعه فرهنگ واژگانی شخصیت صورت گرفته است مربوط به پژوهش فراهانی، فرزاد، فتوحی (۱۳۸۶) است و این پژوهشگران استخراج و اکتشاف پنج عامل شخصیتی را در فرهنگ ایرانی گزارش کردند. اما، این تحقیق دارای برخی محدودیت‌های اساسی است. اولاً تعداد واژگان نهایی توصیف‌کننده شخصیت توسط این محققان در حدود ۷۴ عبارت بود که این تعداد از واژگان در مقایسه با تحقیقات مشابه خارجی بسیار محدود است و ثانیاً این محققان برخی از اصول اولیه طبقه‌بندی صفات توصیف‌کننده شخصیت را رعایت نکرده بودند. برای مثال واژگانی مانند باشخصیت، با فرهنگ، اهل مطالعه، خوشبخت را در مطالعه خود به عنوان واژگان شخصیتی تلقی کرده‌اند این در حالی است که این صفات عمدتاً واژگان شخصیتی محسوب نمی‌شوند و عمدتاً متعلق به طبقه واژگان توصیف‌گر ارزشیابی اجتماعی تعلق دارند. ثالثاً عوامل استخراج‌شده توسط این محققان دارای صفات بسیار ناهمگونی است که نام‌گذاری این عوامل با این عناوین را شبهه برانگیز می‌کند. برای مثال آن‌ها برای عامل باوجدان بودن شخصیت صفات باشخصیت، مؤدب، مهربان، انسان‌دوست را در حالی که به عنوان صفات دارای بیشترین بار عاملی استخراج کرده‌اند که این صفات در تحقیقات مختلف و نظریات

مختلف متعلق به بعد توافق پذیری شخصیت هستند. یا برای عامل پنجم استخراج شده توسط این محققان (دین داری) صفاتی نظیر صرفه جو، قانع، صبور، دین دار، خوشبخت به عنوان نشانگر این عامل استخراج شده اند که عنوان دین داری نمی تواند بازنمایی خوبی از این صفات باشد. از طرف دیگر از نظر روش شناسی آماری نیز ایشان به صرف روش های آماری بسنده کرده اند و با استفاده از منحنی سنگریزه ای به استنباط در مورد پنج عاملی بودن شخصیت پرداخته اند. این در حالی است که در ادبیات مدرن شخصیت مبتنی بر تحلیل عاملی کمتر به روش های صرف آماری تکیه می شود.

در کل با توجه به مرور اجمالی ادبیات پژوهشی مشخص می شود که چندین محدودیت مهم در ادبیات این پژوهشی این حیطه قابل استنباط است. اولاً) نیاز به یک پژوهش اساسی و با در نظر گرفتن واژگان توصیف گر صفت شخصیتی (خلق و مزاج) و نه توصیف کننده ارزش های اجتماعی که برگرفته از واژگان پر کاربرد زبان عامیانه فارسی باشد وجود دارد. ثانیاً) روش های تحلیل عاملی اکتشافی نباید صرفاً تأکید بر روش های آماری نظیر نمودار سنگریزه ای یا روش موازی داشته باشد، بلکه از روش های صحیح منطقی که در این تحقیق به آن پرداخته می شود استفاده شود. ثالثاً) نام گذاری این عوامل باید مبتنی بر واقعیت های وجودی صفات استخراج شده استوار باشد و نباید به صرف شباهت با تحقیقات خارجی عوامل استخراجی را نام گذاری کرد.

با توجه به این اولویت های پژوهشی این تحقیق گامی بسیار مهم در جهت تولید یک مدل بومی شخصیت برمی دارد. اکتشاف عوامل شخصیتی مبتنی بر فرهنگ بومی و با روش های استاندارد جهانی دارای جذابیت های نظری و کاربردهای عملی فراوانی است. برای مثال نتایج این پژوهش موجب شناخت بهتر ابعاد منحصر به فرد فرهنگ ایرانی شده و از طرف دیگر بسط نظریات شخصیت جهانی را امکان پذیر می سازد. همچنین از نظر کاربردی محققان و متخصصان مراکز سنجش و آزمون و یا افرادی که به نحوی با سنجش شخصیت سروکار دارند می توانند از یافته های این تحقیق در جهت بسط و توسعه یک ابزار مفید شخصیتی مبتنی بر فرهنگ بومی ایران استفاده کنند. بنابراین آنچه برای پژوهش گر به عنوان یک سؤال اساسی مطرح است این است که آیا مطالعه فرهنگ وازگانی شخصیت به اکتشاف عوامل مشترک با فرهنگ های دیگر می انجامد؟ و آیا عوامل شخصیتی منحصر به فرد و مختص فرهنگ ایرانی از طریق مطالعه فعلی استخراج می شود؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف اولیه در زیرگروه تحقیقات بنیادین محسوب می‌شود، چراکه هدف این پژوهش بسط نظریه عوامل شخصیتی در فرهنگ ایرانی است؛ هرچند که شناسایی ابعاد بنیادین شخصیت در فرهنگ ایرانی نتایج کاربردی فراوانی در آزمون‌سازی، شناسایی و تشخیص شخصیت فردی می‌تواند داشته باشد. از منظر فرایند اجرای تحقیق که به تهیه فهرست واژگان شخصیت پرداخته می‌شود این شیوه از تحقیق در روانشناسی شخصیت به روش "فرهنگ واژگانی" مشهور است. روش "فرهنگ واژگانی" به شخصیت بر این باور است که ویژگی‌ها و خصلت‌های شخصیتی افراد در زبان روزمره رمزگردانی می‌شوند و می‌توان به صورت منسجم مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار بگیرند (تن برگ، و دی راد، ۲۰۰۲).

جامعه و نمونه مورد پژوهش: با توجه به اهداف زیربنایی پژوهش و لزوم اجرای این پژوهش در جوامع مختلف به منظور پیشبرد اهداف تحقیق جامعه پژوهش فعلی را کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران تشکیل می‌داد. این انتخاب به خاطر تنوع قومیتی بالای دانشگاه‌های شهر تهران بود و امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به جامعه ایرانی تا حدودی میسر می‌ساخت.

نمونه‌گیری این مرحله از پژوهش بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. چک‌لیست صفات شخصیتی بومی توسعه داده شده توسط پژوهشگران (به قسمت ابزار مراجعه کنید) بر روی ۱۰۰۰ دانشجو اجرا شد و در حدود ۲۳۷ پرسش‌نامه به خاطر مخدوش بودن پاسخ‌ها و تکمیل نشدن بیش از ۱۰ درصد پاسخ‌ها از تحلیل حذف شدند. و کارهای تحلیلی بر روی ۷۶۳ نفر از پاسخ‌ها صورت گرفت.

ابزار اندازه‌گیری: چون این پژوهش مبتنی بر تحقیق فرهنگ واژگانی شخصیت بود پژوهشگر برای توسعه ابزار یا چک‌لیست فرهنگ واژگان توصیف‌گر شخصیت مطابق با روش مرسوم در این حوزه اقدام کرد. بدین ترتیب که محقق با همکاری سه نفر از دانشجویان دکتری ادبیات فارسی، سنجش و اندازه‌گیری و روانشناسی به گردآوری کلیه توصیف‌کننده‌های صفات انسانی از طریق کتاب‌های زیر بر اساس راهنمای پژوهش اقدام کرد. کتاب و فرهنگ لغات استفاده شده برای تجمیع واژگان توصیف‌کننده انسانی بدین

قرار بودند. فرهنگ سخن، فرهنگ معین، فرهنگ عامیانه فارسی، فرهنگ عامیانه فارسی، فرهنگ امثال و حکم، تذکر الا ولی ای عطار.

چک لیست اولیه توصیف کننده ویژگی های انسانی که توسط محقق و همکاران تهیه شد شامل ۱۱۲۳۴ واژه بود. بعد از حذف واژگان تکراری و بسیار پیچیده تعداد ۲۷۳۷ واژه برای مطالعه طبقه بندی صفات آماده شد. بعد از کاهش واژگان توسط راهنمای استخراج صفات که در قسمت روش اجرای پژوهش به آن اشاره شده است فهرستی از ۱۴۷ واژه شخصیتی تهیه شد.

روش اجرای پژوهش: سیستم طبقه بندی صفات توصیف کننده شخصیت در تحقیق حاضر منطبق بر مطالعات فرهنگ واژگانی آلمانی بود (انگلیتر، استندورف، و جان، ۱۹۹۰). این طبقه بندی در اکثر پژوهش های اخیر فرهنگ واژگانی شخصیت بکار می رود. اصلی ترین مفروضه این طبقه بندی این است که شخصیت یک فرد احتمالاً با واحدهای مفهومی متفاوتی توصیف شوند و دارای سطوح انتزاع متفاوتی باشد. این سیستم شامل ۵ طبقه زیر است: ۱. خلق و مزاج؛ ۲. وضعیت موقت؛ ۳. جنبه های اجتماعی و اعتباری؛ ۴. ویژگی های آشکار و ظاهری؛ ۵. عبارات های دارای کاربرد محدود.

هر کدام یک از این طبقات اصلی به دو یا چهار زیر مقوله تقسیم می شوند. طبقه ۱ به دو زیر طبقه تقسیم می شود: زیر طبقه اول محدود به صفات مزاجی و منشی و زیر طبقه دوم به توانایی ها و استعدادها یا غیاب آنها تقسیم می شود. طبقه دوم شامل سه زیر طبقه حالات تجربه ای (هیجانان، خلقها، و شناختها)، حالات جسمانی و فیزیکی و حالات رفتاری (فعالیت های قابل مشاهده) است. طبقه سوم مرکب از چهار زیر طبقه روابط و نقشها، آثار اجتماعی (واکنش های دیگران)، ارزیابی های محض و نگرشها و ارزش های جهانی می شود. طبقه چهارم به دو زیر طبقه ویژگی های جسمانی متعلق به آناتومی، ریخت شناسی و ساختار، و جنبه های فرهنگی - اجتماعی ظاهر (قیافه و وضعیت)؛ طبقه پنجم متشکل از زیر طبقات عبارات فنی و وابسته به بافت و عبارات استعاری، مبهم، یا عبارات منسوخ است.

۱۰ نفر ارزیاب (۱ نفر محقق اصلی، ۹ دانشجوی دکتری روانشناسی و سنجش و اندازه گیری) بر اساس راهنمای نوشتاری مبسوطی از تعریف مفهومی هر مقوله به همراه توصیفی از تفاوت های بین مقولات و یک مجموعه از مثالها را دریافت کردند. این تکالیف گام به گام سازمان داده شدند. در اولین گام وضوح یا عدم وضوح معنای واژه مدنظر بود. واژگان بر اساس وضوح معنایی شان در یک مقیاس سه نقطه ای و به این صورت

درجه‌بندی شدند: اگر معنای واژه برای ارزیاب اصلاً وضوح نداشته باشد نمره ۱، اگر اشاره کوتاهی به معنای واژه بشود معنای آن را می‌فهمم نمره ۲، و اگر واژه معنای خیلی واضحی داشته باشد نمره ۳ را دریافت می‌کند.

در صورتی که ارزیابان نمره ۲ یا ۳ را برای مقیاس معنایی درجه‌بندی کنند، ارزیابان به مرحله ۲ گام برمی‌داشتند. ملاک نگهداری واژه در این مرحله برای تصمیم‌گیری‌های بعدی توافق ۸۰ درصدی بر روی وضوح معنایی بین ارزیابان بود. بدین ترتیب در حدود ۲۵۷۴ واژه برای مرحله دوم حفظ شدند.

در مرحله بعد، هر یک از ارزیابان تصمیم گرفتند که یک صفت آیا برای توصیف یک فرد بکار می‌رود یا برای توصیف تجربه فردی، رفتار، یا ظاهر فرد. وازگان بر اساس یک مقیاس سه‌نقطه‌ای مرتبط بودن شخصیتی درجه‌بندی شدند. به این ترتیب که نمره ۱ برای ارتباط کامل واژه باشخصیت، نمره ۲ برای نشان شرایط موقت توصیف‌کننده (حالت)، نمره ۳ برای جنبه‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری اجتماعی، نمره ۴ برای ویژگی‌های ظاهری، نمره ۵ برای عبارات دارای کاربرد محدود و منحصر به فرد بکار برده شد.

در صورتی که ۶۰ درصد از داوران (۶ از ۱۰ نفر) متفق‌القول بودند که واژه مورد نظر در طبقه خاصی (یکی از طبقات ۵ کانه) قرار می‌گرفت، آن واژه در طبقه خاص قرار می‌گرفت.

روش تحلیل داده‌ها: با توجه به اینکه تقریباً تمام نظریه‌پردازان و محققان این حیطه از پژوهش با استفاده از روش تحلیل مؤلفه اصلی و بر اساس راه‌حل چرخش واریماکس اقدام به استخراج عوامل می‌کنند. برای برآورد پارامترهای سؤالات یا آیتم‌ها به‌طور مشابه با تحقیقات خارجی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی - با چرخش واریماکس به‌منظور استخراج عوامل استفاده می‌شود. هرچند که به‌زعم پژوهشگران این روش‌های تحلیل آماری روش‌های مناسبی برای استخراج بهینه و صحیح عوامل نیست و باید از روش‌های غیرخطی و متمایل برای استخراج عوامل استفاده کرد. چون هدف مقایسه عوامل استخراجی و انطباق آن‌ها با نتایج غربی بود به همین خاطر در این پژوهش ناگزیر به استفاده از این روش‌های سنتی تحلیل عاملی شد. نکته مهم دیگری که در این پژوهش‌ها وجود دارد این است که آن‌ها در تحلیل عاملی صفات شخصیت به‌نوعی از تحلیل عاملی اکتشافی - تأییدی (به‌جای تحلیل عاملی اکتشافی یا تحلیل عاملی تأییدی صرف) برای استخراج عوامل اساسی استفاده می‌کنند. منظور از تحلیل عاملی اکتشافی - تأییدی این

است که آن‌ها به جای تکیه صرف بر روش‌های آماری بر اساس پیشینه ادبیات اقدام به استخراج و تفسیر عوامل می‌کنند. به‌طور خلاصه در ادبیات تحلیل عاملی صفات شخصیت مدل‌های ۲ تا ۷ عاملی را استخراج کرده و با توجه به ادبیات پژوهش نتایج به‌دست‌آمده را مورد تفسیر قرار می‌دهند. همچنین مدل‌های ۵ و ۶ عاملی را بیشتر از بقیه مدل‌ها مورد بحث قرار می‌دهند. با توجه این مطالب در این پژوهش به‌منظور مقایسه‌پذیری بهتر نتایج از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای استخراج مؤلفه‌ها بهره گرفته می‌شود.

یافته‌های پژوهش

میانگین سنی شرکت‌کنندگان این پژوهش برابر با ۲۸/۳۶ (انحراف معیار ۹/۷۰) بود. ۵۹/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان را مردان تشکیل می‌دادند. ۵۷۵ نفر از شرکت‌کنندگان تحقیق فعلی را دانشجویان لیسانس و فوق‌دیپلم، و بقیه پاسخ‌دهندگان دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری بودند. ۳۶۳ نفر از دانشجویان دارای زبان مادری فارسی، ۲۰۴ نفر زبان مادری ترکی، ۸۵ نفر کرد، ۳۹ نفر لر، و ۲۸ نفر شمالی (گیلکی و مازندرانی)، ۱۷ نفر عرب، ۵ نفر ترکمن، ۴ نفر بلوچ و بقیه متعلق به سایر زبان‌ها بودند.

جدول ۱. فراوانی و درصد صفات طبقه‌بندی‌شده در مقولات سیستم طبقه‌بندی، و پایایی طبقه‌بندی بین داوران

پایایی	درصد	فراوانی	طبقه
۰/۸۸	۵۱/۵۹	۱۳۲۸	۱. خلق و مزاج
۰/۹۳	۱۳/۲۴	۳۴۱	۲. شرایط موقت (حالت)
۰/۷۶	۳۳/۷۶	۸۶۹	۳. جنبه‌های اجتماعی و ارزشی
۰/۹۱	۰/۰۹۷	۲۵	۱. ویژگی‌های ظاهری
۰/۷۸	۰/۰۴۲	۱۱	۲. عبارات دارای کاربرد محدود و منحصر به فرد

در جدول (۱) نتایج مربوط به فراوانی پاسخ‌ها و ضرایب پایایی بین ارزیابان نشان داده شده است.

با توجه به جدول (۱) مشخص است که در حدود ۱۳۲۸ واژه به‌عنوان صفت شخصیتی توسط ارزیابان انتخاب شدند.

چون بسیاری از این واژگان در ادبیات محاوره‌ای و عامیانه کاربردی ندارند و یا به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند در مرحله آخر تحقیق این ۱۳۲۸ واژه در اختیار ۱۰۰ دانشجوی کارشناسی‌ترم اول که دارای زبان مادری فارسی بودند قرار داده شد و از آن‌ها

خواسته شد که واژه‌های موردنظر را بر اساس میزان کاربرد آن‌ها در زندگی روزمره بر اساس یک طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) درجه‌بندی کنند. واژگانی که دارای میانگین پایین‌تر از ۳ بودند حذف و واژگانی که دارای میانگین بالاتر از ۳ (بر اساس راهنمای طبقه‌بندی صفات شخصیت، تن برگ، و دی راد، ۲۰۰۲) بود برای مرحله نهایی پژوهش نگه‌داشته شد. بدین ترتیب در حدود ۱۸۱ واژه برای مرحله آخر نگه‌داشته شد و بعد از بررسی دوباره آن‌ها توسط محقق و همکاران و حذف برخی از عبارت‌های خیلی مشابه تحقیق نهایی ساختار عاملی واژگان توصیف کننده شخصیت بر روی این ۱۴۷ عبارت انجام شد.

سؤال یا سؤالات اصلی که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آن‌ها بود عبارت‌اند از: آیا مطالعه فرهنگ واژگانی شخصیت به اکتشاف عوامل مشترک با فرهنگ‌های دیگر می‌انجامد؟ و آیا عوامل شخصیتی منحصر به فرد و مختص فرهنگ ایرانی از طریق مطالعه فعلی استخراج می‌شود؟

قبل از اعمال هرگونه محدودیتی در زمینه تعداد عوامل استخراجی مقادیر ویژه گزارش شده توسط نرم‌افزار در تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برای ۳۴ عامل اول قبل از چرخش واریماکس بزرگ‌تر از ۱ بود و برای ۲۰ عامل اول بدون چرخش عبارت بود از ۸۹،۲۰، ۱۰، ۱۰، ۹۲،۶، ۸۱،۵، ۱۹۲،۴، ۶۷،۲، ۵۶،۲، ۳۰،۲، ۰،۸۷،۲، ۰،۹۵۵،۱، ۷۸،۱، ۷۶،۱، ۷۱،۱، ۱،۶۱، ۱،۶۰، ۱،۵۰، ۱،۴۴، ۱،۴۲، ۱،۳۹. با نمودار سنگریزه‌ای این مقادیر ویژه نشان‌دهنده ۵ عاملی بودن چک‌لیست واژگان شخصیت بود. همچنین نتیجه تحلیل موازی وجود شانزده عامل را نشان می‌داد که در ادبیات تحلیل عاملی شخصیت معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و در این تحقیق نیز به‌عنوان ملاکی برای استخراج عوامل مدنظر قرار نگرفت.

برای بررسی این که آیا چک‌لیست واژگان زبان فارسی فضای عاملی کشف شده در دیگر فرهنگ‌های زبانی را می‌تواند دوباره آشکار سازد یا نه، عمدتاً تأکید بر روی راه‌حل‌های ۵ و ۶ عاملی است؛ چراکه در اکثر قریب به اتفاق تحلیل‌های عاملی شخصیت بر روی این دو فضای عاملی بحث و گفتگو می‌شود. اما روند معمول تحلیل عاملی شخصیت ایجاب می‌کند که به فضای ۲، ۳ و ۴ نیز توجه شود.

مجموع مربعات بارهای مدل دو عاملی شخصیت به ترتیب برابر با ۱۶،۹۳، ۱۴،۰۷ بودند. این بارهای عاملی در حدود ۲۱،۰۸ از واریانس داده‌ها را تبیین می‌کرد. محتمل‌ترین تفسیر

برای این نتیجه ۲ عاملی این بود که عامل اول شامل صفات برونگرایی (نظیر فعال، بااراده، اجتماعی، شاداب، خوش معاشرت، خوش صحبت)، باز بودن به تجربه‌ها (نظیر نوآور، خلاق، باهوش)، وظیفه‌شناسی (نظیر تنبل، خوش حساب، زحمت کش و توافق پذیری) (نظیر متواضع، با آبرو) بود. البته صفات مربوط به اجتماعی بودن و ارتباطات انسانی وزن بیشتری نسبت به بقیه عوامل داشت که احتمالاً حاکی از غلبه بعد برونگرایی است و عامل دوم عمدتاً شامل صفات مربوط به بعد روان رنجور خوبی (خودرأی، پرخاشگر، لجباز، غرغرو، بهانه‌گیر است. در کل عامل دوم (یعنی روان رنجور خوبی) دارای وضوح بیشتری نسبت به عامل اول بود.

در مورد راه‌حل سه عاملی، مجموع مربعات بارهای عوامل مربوطه به ترتیب برابر با ۱۴,۷۳، ۱۲,۴۰، ۱۰,۷۸ بود. این بارهای عاملی در حدود ۲۵,۷۹ از واریانس داده‌ها را تبیین می‌کرد. صفات طبقه‌بندی شده برای راه‌حل سه عاملی گویای این بود که هنوز عوامل بنیادین شخصیت (بر طبق ادبیات پژوهش) نتوانسته‌اند به خوبی منفک شوند. هرچند که در عامل اول بعد روان رنجور خوبی شخصیت غلبه دارد. برای مثال، صفات بهانه‌گیر، پرخاشگر، لجباز، غرغرو، کم‌طاعت، خودرأی، شکاک، تندخو و... دارای بیشترین باربر روی عامل اول هستند. ولی درعین حال این عامل اکتشافی برخی از وجوه عامل باوجدان بودن (نظیر راحت‌طلب، بی‌دقت، تنبل، سهل‌انگار، صبور و...) را نیز با خود به همراه دارد. این عامل از شخصیت را می‌توان با عنوان عامل روان رنجوری و تنبلی نام‌گذاری کرد. عامل دوم دربرگیرنده صفاتی بود که عمدتاً بعد توافق‌پذیری و صداقت (مهربان، باحیا، عاطفی، دل‌سوز، فروتن، باعاطفه و...) را موردسنجش قرار می‌دهند. هرچند که برخی از وجوه بعد باوجدان بودن شخصیت نیز در این عامل قرار داشتند (برای مثال مسئولیت‌پذیر، خوش حساب، وقت‌شناس، عاقبت‌اندیش). باین حال احتمالاً بتوان اسم این عامل را توافق‌پذیری نام‌گذاری کرد. اما عامل سوم عمدتاً صفات مربوط به بعد برونگرایی شخصیت (برای مثال، شجاع، باشهامت، جسور، اجتماعی، شاداب، خوش صحبت و...) را در خود گنجانده بود. هرچند که برخی از وجوه بعد باز بودن به تجربه‌ها نیز در آن نمایان بود (برای مثال، نوآور، خلاق، کنجکاو و...). اسم این عامل را احتمالاً بتوان برونگرایی گذاشت.

اما در مورد راه‌حل ۴ عاملی، مجموع مربعات بارهای عوامل به ترتیب برابر با ۱۳,۲۲، ۱۰,۳۹، ۱۰,۱۳، ۹,۹۸ بود. این بارهای عاملی در حدود ۲۹,۷۵ از واریانس را تبیین می‌کرد.

در راه حل چهار عاملی آنچه مشخص بود این بود که در این راه حل تفسیرپذیری عوامل نسبت به مدل سه عاملی با تفکیک پذیری بهتر و روشن تری امکان پذیر بود. عامل اول به وضوح در بردارند صفات مربوط به بعد روان رنجور خوبی شخصیت بود. عامل دوم دربرگیرنده صفات مربوط به بعد توافق پذیری شخصیت بود. هرچند که صفات مربوط به صداقت - فروتنی (مدل HEXACO) در این بعد قرار داشتند. ولی هنوز بین ابعاد توافق پذیری و صداقت - فروتنی در این مدل تفکیک پذیری صورت نگرفته بود. عامل سوم استخراج شده در این تحلیل عمدتاً دربرگیرنده بعد باوجدان بودن شخصیت بود. عامل چهارم استخراج شده در این مدل صفات مربوط به برونگرایی را نشان می داد. هرچند که صفات مربوط به بعد باز بودن به تجربه ها در عامل برونگرایی قرار گرفته بودند. در کل مدل چهار عاملی شخصیت دربرگیرنده عواملی هستند که راحت تر از مدل ۳ عاملی شخصیت قابل تفسیر هستند. به نظر می رسد که مدل های بعدی وضوح بهتری برای تفسیر عوامل خواهند داشت.

همان طور که در فوق اشاره شد مدل های ۵ و ۶ عاملی شخصیت با توجه به ادبیات پژوهشی مستحکم و به خوبی توسعه داده شده بیشتر مورد توجه محقق هستند. در مورد راه حل ۵ عاملی، مجموع مربعات بارهای ۵ عامل به ترتیب برابر با ۱۲,۹۱، ۹,۸۵، ۹,۶۷، ۹,۳۱ و ۶,۱۸ بود. این بارهای عاملی در حدود ۳۲,۶۱ از واریانس را تبیین می کرد.

جدول ۲. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش متعامد واریماکس با مقید کردن تحلیل به ۵ عامل

بار عاملی	صفت	بار عاملی	صفت	بار عاملی	صفت	بار عاملی	صفت
۰/۵۴۰	سربه زیر	۰/۶۶۸	سهل انگار	۰/۵۸۵	شجاع	۰/۶۲۵	مهربان
۰/۵۱۴	آرام	۰/۶۵۲	بی خیال	۰/۵۷۴	باشهامت	۰/۶۰۹	عاطفی
						۰/۶۰۹	کم طاقت

۰/۳۷۹	۰/۳۸۶	۰/۳۹۰	۰/۴۰۲	۰/۴۰۴	۰/۴۰۵	۰/۴۰۸	۰/۴۱۵	۰/۴۲۹	۰/۴۶۹
متین	حسابگر	باحیا	خجالتی	عاقبت اندیش	مصلحت بین	بازاکت	صرفه جو	درون گرا	قانع
۰/۴۵۳	-۰/۴۸۷	۰/۵۱۱	۰/۵۲۳	۰/۵۴۱	-۰/۵۵۲	۰/۵۵۵	-۰/۵۶۳	۰/۵۹۹	۰/۶۴۶
بی ثبات	وقت شناس	خوش خیال	کم تلاش	راحت طلب	منضبط	الکی خوش	منظم	بی دقت	تنبل
۰/۴۶۸	۰/۴۷۲	۰/۴۸۷	۰/۴۹۱	۰/۴۹۳	۰/۴۹۸	۰/۵۰۵	۰/۵۱۳	۰/۵۱۵	۰/۵۵۳
سرسخت	بلند پرواز	رقابت جو	پرجنب و جوش	خلاق	برتری طلب	فعال	ریسک پذیر	نوآور	جسور
۰/۴۲۵	۰/۴۴۶	۰/۴۴۹	۰/۴۸۳	۰/۴۸۳	۰/۵۵۸	۰/۵۷۹	۰/۵۸۳	۰/۵۹۳	۰/۶۰۳
فروتن	بی ریا	خوش اخلاق	احساساتی	خاکی	دلسوز	خوش معاشرت	خوش برخورد	خونگرم	باعاطفه
۰/۵۲۸	۰/۵۳۱	۰/۵۴۲	۰/۵۴۵	۰/۵۵۹	۰/۵۶۸	۰/۵۷۵	۰/۵۸۲	۰/۵۹۵	۰/۶۰۸
عجول	لجواز	حساس	شکاک	مضطرب	بدبین	غزرو	پهانه گیر	پرخاشگر	تندخو

خوش‌بین	۰/۴۵۱	متواضع	۰/۳۶۵	باهوش	۰/۳۹۶	زحمت‌کش	-۰/۳۴۸
کینه‌ای	۰/۴۴۹	سازگار	۰/۳۶۲	بانمک	۰/۳۹۲	پرحرف	۰/۳۰۵
نازک‌نازنجی	۰/۴۶۷	سنگدل	-۰/۳۵۴	پرحافظه	۰/۳۶۴		
دل‌نازک	۰/۴۴۲	نرم‌خو	۰/۳۵۰	انتقادگر	۰/۳۳۳		
سختگیر	۰/۴۳۹	معنوی	۰/۳۳۳	بی‌جگر	-۰/۳۱۱		
حسود	۰/۴۳۳	خسیس	-۰/۳۱۶				
خودخواه	۰/۴۲۲						
مغرور	۰/۴۱۲						
سلطه‌گر	۰/۴۱۱						
وسواسی	۰/۴۰۷						

مشکل پسند	۰/۴۰۰
طمع کار	۰/۳۹۳
فضول	۰/۳۹۱
کله شق	۰/۳۷۶
خونسرد	-۰/۳۷۱
متعصب	۰/۳۶۷
انتقادپذیر	-۰/۳۶۰
ترسو	۰/۳۵۷
زودباور	۰/۳۵۳
امیدوار	-۰/۳۴۵

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی با محدودیت ۵ عاملی مطابق با جدول (۲) در استخراج عوامل بدین شرح می‌باشند.

عامل اول استخراج شده به وضوح تشکیل دهنده بعد روان رنجور خویی شخصیت است. برای مثال صفات دارای بیشترین وزن عاملی بر روی عامل اول عبارت‌اند از: زودرنج، کم‌طاقت، تندخو، پرخاشگر، بهانه‌گیر، غرغرو، بدبین، مضطرب، شکاک، حساس، لجباز، عجول، بی‌حوصله، غمگین، افسرده و... به نظر می‌رسد که با احتمال بسیار زیادی این صفات تبیین‌کننده یا توصیف‌گر عامل روان رنجور خویی باشند که اشتراک بسیار زیادی با تحقیقات انجام‌شده در این حوزه دارد.

عامل دوم استخراج شده در مدل پنج عاملی شخصیت را به جرت می‌توان عامل توافق‌پذیری نام‌گذاری کرد. برای مثال صفات دارای بیشتر وزن عاملی عبارت‌اند از: مهربان، عاطفی، باعاطفه، خونگرم، خوش‌برخورد، خوش‌معاشرت، دلسوز. اماگاهی به صفات استخراج شده برای عامل دوم گویای این نکته مهم است که صفات مربوط به بعد صداقت - فروتنی (مدل HEXACO) نیز در این بعد قرار گرفته‌اند که از بار عاملی نسبتاً بالایی نیز برخوردار هستند. برای مثال بی‌ریا (بار عاملی ۰/۴۶)، فروتن (۰/۴۴)، جوانمرد (۰/۴۰)، متواضع (۰/۳۶۵) که در مدل HEXACO تشکیل دهنده بعد صداقت / فروتنی هستند در این مدل پنج عاملی در داخل بعد توافق‌پذیری قرار گرفته‌اند (مشابه با مدل‌های پنج عاملی).

عامل سوم شخصیت که در مدل پنج عاملی با چرخش واریماکس استخراج شد از وضوح دو عامل قبلی برخوردار نیست. این عامل از شخصیت تلفیقی از بعد برونگرایی (برای مثال شجاع، باشهامت، فعال، برتری‌طلب، پر جنب و جوش، خوش‌صحبت، شاداب، اجتماعی) و بعد باز بودن به تجربه‌ها (برای مثال خلاق، کنجکاو، نکته‌سنج، باهوش، پرحافظه، نوآور) بود. به خاطر اینکه بعد سوم شخصیت تلفیقی از بعد برونگرایی و باز بودن به تجربه‌ها بود اسم این عامل را احتمالاً برونگرایی - باز بودن به تجربه‌ها می‌توان انتخاب کرد.

عامل چهارم به وضوح تشکیل دهنده عامل باوجدان بودن شخصیت است. برای مثال صفات دارای بیشترین وزن عاملی عبارت‌اند از: سهل‌انگار، بی‌خیال، تنبل، بی‌دقت، منظم، الکی خوش منضبط، راحت‌طلب، کم تلاش، خوش خیال که همگی وجوه بعد باوجدان بودن را تشکیل می‌دهند.

عامل پنجم که در پژوهش فعلی استخراج شد یک عامل بسیار جالب توجه و قابل تأمل است. این عامل در هیچ‌یک از پژوهش‌های خارجی مشاهده نشده است. مهم‌ترین صفات تبیین‌گر این عامل شخصیتی عبارت‌اند از: سربه‌زیر، آرام، قانع، درون‌گرا، صرفه‌جو، عاقبت‌اندیش، خجالتی که همگی بالای ۰/۴۰ بار عاملی بر روی این عامل هستند. با مصاحبه از چندین روانشناس دارای تخصص در حوزه شخصیت اسم این عامل "متانت" انتخاب شد. هرچند که این عامل شباهت‌هایی با عامل صداقت/ فروتنی مدل HEXACO از شخصیت دارد ولی نگاهی به عامل دوم مدل پنج عاملی تحقیق فعلی گویای این است که صفاتی نظیر صداقت، فروتنی، بی‌ریایی همگی بر روی عامل دوم قرار گرفته‌اند. این عامل شخصیتی احتمالاً منحصر به فرهنگ ایرانی باشد. البته برای اینکه بتوانیم از وجود چنین عاملی در فرهنگ ایرانی مطمئن شویم باید بررسی شود که آیا این عامل در روش‌های دیگر تحلیل عاملی نیز استخراج می‌شود یا نه.

در کل نتیجه تحلیل عاملی مدل پنج عاملی گویای این است که: ابعاد روان رنجور خویی، و باوجدان بودن و توافق‌پذیری به‌طور بسیار مشابه با فضای مدل‌های سلسله‌مراتبی شخصیت (مدل‌های پنج عاملی) است. اما بعد باز بودن به تجربه‌ها به‌عنوان یک بعد مجزا در این پژوهش استخراج نشد. رویه‌های این بعد شخصیتی در داخل بعد برونگرایی شخصیت مورد مشاهده قرار گرفتند که نتیجه قابل توجهی است. از طرف دیگر بعد جدیدی از شخصیت در فرهنگ ایرانی استخراج شد که با توجه به صفات قرار گرفته شده در آن اسم این عامل را می‌تواند به "متانت" تعبیر کرد.

برای مقایسه بهتر نتایج این تحقیق با پژوهش‌های خارجی از مدل شش عاملی با چرخش واریماکس نیز استفاده شد. در مورد راه‌حل شش عاملی، مجموع مربعات بارهای ۶ عامل نخست به ترتیب برابر با ۳۴،۱۲، ۱۰،۴۵، ۹،۷۱، ۸،۵۶، ۴،۸۱، ۴،۷۲ بود. این بارهای عاملی در حدود ۳۴،۴۲ از واریانس را تبیین می‌کرد.

جدول ۳. تحلیل عاملی اکتشافی - چرخش واریماکس با فید ۶ عامل در استخراج عوامل

۰/۳۷۱	سربه‌زیر	۰/۳۸۴	خجالتی	-۰/۳۸۹	خوش صحبت	-۰/۳۹۵	شوخ طبع	-۰/۴۴۰	اجتماعی	۰/۴۵۱	دیرجوش	-۰/۴۶۴	خوش معاشرت	۰/۴۷۰	مزوی	۰/۴۷۲	درون‌گرا	عامل	برونگرایی
۰/۳۷۱	بازاکت	۰/۴۰۰	باحیا	۰/۴۱۲	صرفه‌جو	۰/۴۱۴	زحمت کش	۰/۴۵۸	سنت‌گرا	۰/۴۶۸	قانع	۰/۴۸۱	معنوی	۰/۴۸۵	غیرتی	۰/۵۱۸	مذهبی	عامل	مذهبی
۰/۴۸۶	ریسک‌پذیر	۰/۴۹۵	سلطه‌گر	۰/۴۹۶	رقابت‌جو	۰/۵۰۲	جسور	۰/۵۰۷	باشهامت	۰/۵۱۰	شهرت‌طلب	۰/۵۲۶	شجاع	۰/۵۲۳	بلندپرواز	۰/۵۹۰	بزرگی طلب	عامل	شجاعت
۰/۵۳۸	کم تلاش	۰/۵۴۳	راحت طلب	۰/۵۵۴	الکی خوش	-۰/۵۶۹	منضبط	-۰/۵۸۱	منظم	۰/۶۱۸	بی‌دقت	۰/۶۴۶	بی‌خیال	۰/۶۵۰	تبل	۰/۶۶۸	سهل‌انگار	عامل	باوجدان بودن
۰/۴۹۷	بی‌ریا	۰/۵۲۳	خاکی	۰/۵۲۴	فروتن	۰/۵۳۴	وفادار	۰/۵۴۰	خوش‌برخورد	۰/۵۷۵	باعاطفه	۰/۶۱۲	عاطفی	۰/۶۲۵	دلسوز	۰/۶۴۵	مهربان	عامل	توافق‌پذیری
۰/۵۴۰	بدبین	۰/۵۶۰	غرضو	۰/۵۷۱	حساس	۰/۵۷۴	بهبانه‌گیر	۰/۵۷۶	پرخاشگر	۰/۵۸۷	مضطرب	۰/۵۹۱	تندخو	۰/۶۰۲	کم‌طاقت	۰/۶۵۹	زودرنج	عامل	روان‌رنجور خوبی

صیور	۰/۴۶۷	متواضع	۰/۴۰۴	طبع کار	۰/۳۷۵	مغرور	۰/۳۹۷
اخمو	۰/۴۴۵	سخاوتمند	۰/۳۹۲	آب‌زیرکاه	۰/۳۵۳	زرینگ	۰/۳۸۶
خونسرد	-۰/۴۳۸	نجیب	۰/۳۹۲			باهوش	۰/۳۸۴
عیب‌جو	۰/۴۴۴	خوش حساب	۰/۳۷۵			انتقادگر	۰/۳۶۱
مخالفت‌جو	۰/۴۱۱	ترم‌خو	۰/۳۷۲			بانمک	۰/۳۴۶
کینه‌ای	۰/۴۱۰	سنگدل	-۰/۳۴۲			پرحافظه	۰/۳۳۸
وسواسی	۰/۴۰۲	ساده‌دل	۰/۳۴۰			سمج	۰/۳۱۸
سخنگیر	۰/۳۹۸	با جنبه	۰/۳۳۱				
حسود	۰/۳۹۱	مصلحت‌بین	۰/۳۳۱				
آرام	-۰/۳۹۰	مهمان‌نواز	۰/۳۳۰				
زودباور	۰/۳۸۷	انعطاف‌پذیر	۰/۳۱۶				

انتقادپذیر	-۰/۳۸۱	راز نگه‌دار	۰/۳۰۸
مشکل‌پسند	۰/۳۷۶		
ترسو	۰/۳۷۲		
امیدوار	۰/۳۷۲		
فضول	۰/۳۷۰		
متعصب	۰/۳۵۳		
خودخواه	۰/۳۵۰		
منطقی	-۰/۳۱۶		

نگاهی به بارهای عاملی صفات مربوط به مدل ۶ عاملی در جدول (۳) نشانگر این است که:

عامل اول استخراج شده در مدل ۶ عاملی شخصیت همانند مدل پنج عاملی با رویه‌های اختصاصی بعد روان رنجور خوبی شخصیت تحقیقات دیگر همخوانی دارد. عامل دوم مدل شش عاملی نیز رویه‌ها و وجوه مختص به بعد توافق‌پذیری شخصیت را نشان می‌دهد. نکته جالب این که این عامل شبیه به عامل توافق‌پذیری مدل‌های پنج عاملی شخصیت است و همانند این مدل‌ها هر دو بعد توافق‌پذیری و صداقت/فروتنی را در بر می‌گیرد.

عامل سوم استخراج شده در مدل شش عاملی شخصیت نیز مشابه با نظریات پنج عاملی و ۶ عاملی شخصیت بعد باوجدان بودن شخصیت را موردسنجش قرار می دهد.

عامل چهارم استخراج شده در مدل شش عاملی شخصیت نیز شامل وجوه بعد برونگرایی و باز بودن به تجربه ها است. این عامل تلفیقی از برخی رویه های برونگرایی (نظیر باشهامت، جسور، پر جنب و جوش، فعال) و برخی رویه های باز بودن به تجربه ها است (نظیر کنجکاو، خلاق، نوآور). اما در حقیقت تمام رویه های برونگرایی (نظیر اجتماعی بودن، خوش صحبت بودن، خوش معاشرت بودن) نیست. این نتیجه جالب توجه است. شاید بتوان اسم این عامل شخصیتی را شجاعت و جاه طلبی گذاشت.

عامل پنجم استخراج شده در مدل شش عاملی شخصیت نیز مشابه با مدل پنج عاملی این پژوهش بود. با این تفاوت که صفات مذهبی، معنوی، غیرتی این بار دارای وزن بیشتری نسبت به مدل پنج عاملی بودند. این عامل شخصیتی با احتمال زیادی بعد مذهبی را مورد سنجش قرار می دهد که منحصر به فرهنگ ایرانی است. با این تفاوت که صفاتی نظیر سربه زیر بودن به عامل ششم انتقال پیدا کرد. همچنین صفت آرام به عامل اول (روان رنجور خویی) و صفت قانع از این عامل و بقیه عامل ها حذف شد. همچنین صفاتی نظیر مذهبی، معنوی، باغیرت بودن دارای بار عاملی بیشتری نسبت به مدل پنج عاملی بر روی این عامل بودند. اسم این عامل با احتمال زیادی می توان مذهبی و معنوی بودن انتخاب شود.

عامل ششم رویه های مربوط به درون گرایی - برونگرایی را نشان می دهد. البته برخی از رویه های بعد برونگرایی در عامل چهارم قبلاً وجود داشت.

تحلیل عاملی با قید ۷ عامل شامل عوامل جدیدی نبود. به این خاطر نتیجه این تحلیل در اینجا آورده نشده است.

در کل نتایج این تحقیق گویای این است که مدل های ۵ و ۶ عاملی شخصیتی استخراج شده بر اساس فرهنگ ایرانی با نتایج همین مدل ها در فرهنگ های خارجی شباهت های بالایی دارد. اما علی رغم این شباهت ها دارای تفاوت های برجسته ای نیز است. در هیچ یک از مدل های ۵ و ۶ عاملی، بعد باز بودن به تجربه های جدید به عنوان عاملی مستقل کشف و استخراج نشد و در حقیقت این بعد شخصیتی با صفات مربوط به بعد برونگرایی ادغام شد. همچنین در مدل پنج عاملی و شش عاملی بعد متانت و مذهبی بودن به عنوان عامل های اختصاصی فرهنگی کشف شدند که نتایج بسیار جالب توجه این تحقیق محسوب می شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی ساختار عاملی صفات شخصیت در فرهنگ ایرانی بر اساس مطالعات "فرهنگ واژگانی" شخصیت صورت گرفت. دلیل عمده برای انجام این پژوهش عدم انجام تحقیقات بنیادین شخصیت مبتنی بر فرهنگ واژگان در ایران بود و همچنین مقایسه نتایج این تحقیق با مدل‌های مشهور شخصیتی خارجی بود. برای انجام این پژوهش بعد از گردآوری واژگان توصیف‌کننده فردی از طریق فرهنگ لغات و کتب مربوطه در حدود ۱۱۰۰۰ واژه و حذف و تقلیل آن‌ها به علت تکراری بودن، مهجور بودن به ۲۷۰۰ واژه بر اساس طبقه‌بندی لغات به پنج مقوله اساس خلق و مزاج (صفت)، حالات، ارزشیابی اجتماعی، واژگان توصیف‌گر حالات فیزیکی، و عبارات استعاری و دارای کاربرد محدود در حدود ۱۳۰۰ واژه شخصیتی و متعلق به طبقه خلق و مزاج (صفت) باقی ماند و این چک‌لیست اولیه بر اساس میزان کاربرد و آشنا بودن واژگان بر اساس دیدگاه ۱۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی در نهایت به ۱۴۷ واژه توصیف‌کننده شخصیت (چک‌لیست نهایی) کاهش پیدا کرد. ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به این چک‌لیست پاسخ دادند. بعد از حذف ۲۳۷ پاسخ مخدوش چک‌لیست نهایی بر اساس پاسخ ۷۶۳ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بر روی مدل‌های ۲ تا ۷ عاملی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ادبیات پژوهش نتایج مدل‌های ۵ و ۶ عاملی مورد تأکید قرار گرفت تا امکان مقایسه این مدل‌ها با مدل‌های پذیرفته‌شده جهانی میسر باشد. نتایج مدل‌های ۵ و ۶ عاملی حاکی از این بود که فضای عوامل مربوط به روان رنجور خوبی، توافق‌پذیری، و باوجدان بودن شباهت زیادی به فضای مدل‌های عاملی تحقیقات مرجع خارجی به‌ویژه مدل NEO-PI-R دارند؛ ولی بعد باز بودن به تجربه‌ها نه در مدل ۵ و نه در مدل ۶ عاملی به‌عنوان بعد مستقل کشف نشد و این بعد از شخصیت با فضای بعد پرونگرایی در هر دو مدل ادغام شده بود. همچنین یافته منحصر به فرد این پژوهش استخراج عامل جدیدی به نام "متانت" در مدل پنج عاملی و "مذهبی بودن" در مدل شش عاملی بود. نتایج این پژوهش با احتمال زیادی گویای کشف عوامل و فضای جدید عاملی در تحقیقات شخصیتی مبتنی بر صفت در فرهنگ ایرانی نسبت به سایر فرهنگ‌ها (علی‌رغم شباهت‌های زیاد) بود.

در کل یافته‌های این پژوهش گویای این بود که علی‌رغم شباهت‌های زیاد فضای عاملی صفات شخصیت در فرهنگ ایرانی با فضای عاملی جهانی و بین فرهنگی شخصیت

تفاوت‌های فرهنگ و عوامل منحصربه‌فرد فرهنگی نیز نقش برجسته‌ای در این بین دارند. به عبارت دیگر، نتیجه تحقیق فعلی دال بر این است که مدل‌های ۵ عاملی و ۶ عاملی شخصیت مدل‌های معتبری در توصیف شخصیت انسان دارند، با این حال و علی‌رغم این اشتراکات بسیار بالا وجود عوامل منحصربه‌فرد فرهنگی را نمی‌توان نادیده پنداشت. نتایج این پژوهش در این زمینه که عوامل شخصیتی استخراج شده بر مبنای تحقیقات فرهنگ واژگانی علی‌رغم اشتراکات بالا شامل ویژگی‌های فرهنگی منحصربه‌فردی نیز هستند با نتایج تحقیقات اندیشمندان بزرگ این حیطه نظیر مک کری و کاستا (۱۹۹۳)؛ گلدبرگ، لی و آشتون علی‌رغم شباهت‌های بسیار زیاد مدل‌های فعلی با مدل‌های ایشان از شخصیت تا حدی ناهم‌سو است. نتیجه این پژوهش با دیدگاه منتقدین مدل‌های جهانی ۵ و ۶ عاملی شخصیت بیشتر همسو است. برای مثال، دی راد و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقات خود نشان دادند که تنها سه عامل شخصیتی است که به‌طور کامل در همه فرهنگ‌ها به‌طور مشترک استخراج می‌شود. این محقق بر این اعتقاد است که غیر از سه عامل مشترک جهانی، نشانگرهای اصلی عوامل دیگر ناپایدار هستند. ایشان ادعای جهانی مدل هگزا کو از شخصیت را مورد چالش قرار داده‌اند، و اعتقاد دارند که خیلی از زبان‌ها مدل شش عاملی شخصیت را مورد تأیید قرار نداده‌اند. چه‌بسا، بعد صداقت - فروتنی همواره مورد تأیید قرار نگرفته است. چندین مطالعه ابعاد شش عاملی ناهمسانی را کشف کرده‌اند (برای مثال لذت‌گرایی - خوش‌گذرانی) و برخی تحقیقات عوامل بیش از ۶ عامل را کشف کرده‌اند. همچنین نتیجه این پژوهش از نظر متفاوت بودن و منحصربه‌فرد بودن برخی از عوامل شخصیتی با یافته‌های تحقیقات فرهنگ واژگانی هندی (سینک، میسرا، دی راد؛ ۲۰۱۳)؛ زبان‌های ایتالیایی (دی بلاس و فوزی، ۱۹۹۸)؛ مجارستانی (زیرماک و دی راد، ۱۹۹۴)؛ فراهانی و همکاران (۱۳۸۶)؛ فیلیپینی (چرچ، کاتیگباک، ریز، ۱۹۹۸)؛ تلگان و والر (۱۹۹۷) همسو است.

این پژوهش یک پژوهش مقدماتی در راستای اکتشاف عوامل بنیادین شخصیت از طریق مطالعه "فرهنگ واژگانی" شخصیت در فرهنگ ایرانی بود. نتایج این پژوهش به خاطر اینکه تنها در یک نمونه دانشجویی متشکل از ۷۶۳ دانشجو بر روی ۱۴۷ واژه شخصیتی به‌دست آمده است نمی‌تواند به‌راحتی قابل تعمیم به تمام جامعه ایرانی باشد. به نظر می‌رسد تحقیقات بسیار زیادی لازم است که بتواند تعمیم‌پذیری نتایج این تحقیق را استوار سازد. تحقیقات دیگری حتماً باید صورت بگیرد تا بتوان در مورد مدل نهایی شخصیت در

فرهنگ ایرانی بحث و گفتگو کرد. دلیل اصلی برای این کار این مهم است که نتایج تحلیل عاملی شدیداً به نمونه گیری و نوع سؤالات انتخاب شده برای تحقیق دارد. برخی از مهم ترین محدودیت های این تحقیق علاوه بر نمونه نسبتاً محدود این پژوهش عدم استفاده از روش های دیگر سنجی (یعنی به جای خود سنجی)، عدم استفاده از نمونه غیر دانشجویی، و محدودیت در تعداد واژگان چک لیست به خاطر اجرایی بودن این تحقیق بود. در کل نتیجه این تحقیق به زعم محققین فقط از منظر اینکه احتمال تفاوت های فرهنگ ایرانی در عوامل بنیادین شخصیت با فرهنگ های خارجی می تواند وجود داشته باشد قابل ارزش گذاری است و محققان هیچ ادعایی در مورد تعمیم پذیری یافته های خود بر روی نمونه های دیگر ندارند. در حقیقت برای استنباط قدرتمند در مورد ساختار شخصیتی فرهنگ ایرانی حتماً و حتماً تحقیقات گسترده ای باید صورت بگیرد تا بتوان با اطمینان بیشتری از عوامل شخصیتی مبتنی بر فرهنگ ایرانی بحث و گفتگو کرد.

منابع

- جوشن لو، محسن؛ دائمی، فاطمه؛ بخشی، علی؛ ناظمی، سبا؛ غفاری، زهرا. (۱۳۹۸). ساختار عاملی نسخه تجدیدنظر شده فارسی پرسشنامه شخصیتی نئو در ایران. *مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال شانزدهم، شماره ۳، ۲۳۰-۲۲۲.
- حق شناس، حسن (۱۳۷۸). هنجاریابی آزمون نئو، فرم تجدیدنظر شده. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، شماره ۱۶، ۳۸-۴۷.
- گروسی فرشی، میر تقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: نشر جامعه پژوه.
- فراهانی، محمدتقی؛ فرزاد، ولی الله؛ فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۸۳). مطالعه لغوی عوامل شخصیت در زبان فارسی. *روانشناسی*. شماره ۱۰، ۱۸۳-۲۰۴.

- Allport, G. W. & Odbert, H. S. (1936). Traitnames: A psycho-lexical study. *Psychological Monographs*, 47(1), 1-171, No. 211.
- Almagor, M., Tellegen, A., & Waller, N. G. (1995). The big seven model: A cross-cultural replication and further exploration of the basic dimensions of natural language trait descriptors. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 300-307.
- Angleitner, A., Ostendorf, E., & John, O. P. (1990). Towards a taxonomy of personality descriptors in German: A psycho-lexical study. *European Journal of Personality*, 4, 89-118.

- Ashton, M. C., Lee, K., & Son, C. (2000). Honesty as the sixth factor of personality: Correlations with Machiavellianism, primary psychopathy, and social adroitness. *European Journal of Personality*, 14, 359–369.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2001). A theoretical basis for the major dimensions of personality. *European Journal of Personality*, 15, 327–353.
- Ashton, M. C., Lee, K., & Goldberg, L. R. (2004). A hierarchical analysis of 1,710 English personality-descriptive adjectives. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 707–721.
- Ashton, M. C., Lee, K., de Vries, R. E., Szarota, P., Marcus, B., Wasti, S. A., et al. (2006, July). Lexical studies of personality structure: An examination of six-factor solutions. Paper presented at the 13th European Conference of Personality, Athens, Greece.
- Ashton, M. C., Lee, K., Perugini, M., Szarota, P., de Vries, R. E., Di Blas, L., et al. (2004). A six-factor structure of personality-descriptive adjectives: Solutions from psycholexical studies in seven languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 356–366.
- Benet, V., & Waller, N. G. (1995). The 'Big Seven' model of personality description: Evidence for its cross-cultural generality in a Spanish sample. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 701–718.
- Borkenau, P. (1990). Traits as ideal-based and goal-derived social categories. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 381–396.
- Cattell, R. B. (1943). The description of personality: Basic traits resolved into clusters. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 38, 476–506.
- Church, A. T., Katibak, M. S., & Reyes, J. A. S. (1998). Further exploration of Filipino personality structure using the lexical approach: Do the big-five or big-seven dimensions emerge?, *European Journal of Personality*, 12, 249–269.
- De Raad, B.; Al, Et; Mlačić, Boris; Church, A. Timothy; Katigbak, Marcia S.; Ostendorf, Fritz; Hřebíčková, Martina; Di Blas, Lisa; Szirmák, Zsófia (2010). "Only three personality factors are fully replicable across languages: Reply to Ashton and Lee". *Journal of Research in Personality*, 44 (4): 442–445.
- Di Blass, L., & Forzi, M. (1998). An alternative taxonomic study of personality-descriptive adjectives in the Italian Language. *European Journal of Personality*, 12, 75–101.
- Digman, J. M., & Takemoto-Chock, N. K. (1981). Factors in the natural language of personality: Re-analysis and comparison of six major studies. *Multivariate Behavioral Research*, 16, 149–170.
- Goldberg, L. R. (1990). An alternative "description of personality": The Big-Five factor structure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 1216–1229.
- Hogan, R. (1982). A socio-analytic theory of personality. In M. M. Page (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation, 1982: Personality-Current theory and research*. Lincoln: University of Nebraska Press.
- Lee, K., Gizzarone, M., & Ashton, M. C. (2003). Personality and the likelihood to sexually harass. *Sex Roles*, 49, 59–69.

- Norman, W. T. (1963). Toward an adequate taxonomy of personality attributes: Replicated factor structure in peer nomination personality ratings. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 66, 574-583.
- Saucier, G. (1997). Effect of variable selection on the factor structure of person descriptors. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1296-1312.
- Simms, L. J. (2007). The Big Seven Model of Personality and Its Relevance to Personality Pathology. *Journal of Personality*, 75:1, 1-30.
- Szirmak, Z., & De Raad, B. (1994). Taxonomy and structure of Hungarian personality traits. *European Journal of Personality*, 8, 95-117.
- Tellegen, A., & Waller, N. G. (1987). Reexamining basic dimensions of natural language trait descriptors. Paper presented at the 95th annual meeting of the American Psychological Association, New York.
- Tellegen, A. (1993). Folk concepts and psychological concepts of personality and personality disorder. *Psychological Inquiry*, 4, 122-130.
- Tellegen, A., & Waller, N. G. (1987). *Reexamining basic dimensions of natural language trait descriptors*. Paper presented at the 95th annual meeting of the American Psychological Association, New York.
- Ten Berge, M.A., De Raad, B., (2002). The structure of situations from a personality perspective. *European Journal of Personality*, 16(2), 81-102.
- Tupes, E. C., & Christal, R. E. (1992). Recurrent personality factors based on trait ratings. *Journal of Personality*, 60, 225-251. (Original work published 1961). university population. Department of Psychology, University of Michigan.
- Waller, N. G., & Zavala, J. (1993). Evaluating the Big Five. *Psychological Inquiry*, 4, 131-134.